

بررسی گزارش ویژه ابن عباس از حدیث منزلت*

غلامحسین زینلی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین میراث‌های روایی بر جای مانده از رسول گرامی اسلام ﷺ حدیث منزلت است (انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی...). این حدیث متواتر را عالمان شیعه و اهل سنت به صورت گسترده در منابع روایی خود ثبت کرده‌اند؛ چنان‌که عالمان شیعه آن را از طریق ۹ نفر از امامان اهل بیت علیهم‌السلام و ۲۵ نفر از صحابه پیامبر رضی الله عنهم نقل کرده‌اند. عالمان اهل سنت نیز حدیث مورد نظر را در منابع روایی خود از طریق ۲۶ نفر از صحابه از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند. در این حدیث که رسول خدا ﷺ آن را در ۳۰ زمان و مکان متفاوت بیان داشته‌اند نسبت علی علیه‌السلام به خودشان را به نسبت هارون به موسی علیه‌السلام تشبیه نموده و در آن از خلافت بلافصل علی بن ابی طالب علیه‌السلام به جای پیامبر پس از درگذشت رسول خدا ﷺ بر همه کسانی که به آئین پیامبر ایمان آورده‌اند، سخن گفته‌اند. این نوشتار درصدد است تا گزارش ابن عباس از حدیث منزلت را مورد بررسی قرار دهد. گزارش ابن عباس در عین اشتراک با سایر گزارش‌های این حدیث در صدر (انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی) عبارتی ویژه در ذیل دارد (و أنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی) که ضمن متمایز ساختن این روایت از دیگر روایت‌ها، شبهات بی‌مورد در دلالت این حدیث را رد کرده و به صراحت بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دلالت دارد.

واژگان کلیدی

پیامبر ﷺ، علی علیه‌السلام، منزلت، هارون، موسی، خلیفتی، کل مؤمن من بعدی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۲

۱. استادیار گروه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم، ایران (ghhz313@gmail.com).

مقدمه

بدون تردید یکی از شاخص‌ترین مواضع بیان حدیث منزلت قبل از حرکت سپاه در غزوه تبوک است. در این واقعه رسول خدا ﷺ دو اقدام انجام دادند، هم علی رضی الله عنه را عملاً در مدینه جانشین خود نمودند، و هم حدیث منزلت را درباره ایشان بیان فرمودند. اهمیت حضور علی رضی الله عنه در مدینه در آن روز به قدری بوده که علیرغم اصرار علی رضی الله عنه برای شرکت در غزوه تبوک، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواسته آن حضرت را نپذیرفت و به ایشان فرمود:

إِنَّهُ لَا يَدْرَأُ أَنْ تَقِيمَ أَوْ أُقِيمَ (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۲، ۱۸۶)؛

شرایط به گونه‌ای است که یا تو باید در مدینه بمانی یا من.

شواهد موجود نشان می‌دهد که در این واقعه بخشی از منافقین در مدینه باقی مانده بودند (ابن حبان، ۱۳۹۳ق: ج ۲، ۹۳)، و بخش دیگری از آنان در سپاه پیامبر شرکت کرده بودند و تصمیم داشتند پیامبر را در این سفر به قتل رسانند. شاهد این مدعا نیز آن است که جمعی از منافقان در بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از تبوک در گردنه‌ای کمین کرده بودند تا شتر پیامبر را فراری دهند و پیامبر به دره سقوط کند و نابود شود. اما خداوند پیامبرش را از تصمیم آنان باخبر ساخت و حفظ نمود (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۲۱۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۱، ۲۲۳). مسلم نیشابوری در گزارشی از حدیفة بن یمان شمار منافقانی که در گردنه تبوک کمین کرده بودند را چهارده نفر دانسته است (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۲۱۴۴). یحیی بن شرف نووی در ذیل حدیث مسلم نوشته است:

وهذه العقبة... علی طریق تبوک، اجتمع المنافقون فیها للغدر برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی غزوة تبوک. فعصمه الله منهم (نووی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۷، ۱۲۵).

ابن حزم اندلسی در گزارشی از حدیفة بن یمان، ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، و سعد بن ابی وقاص را جزء منافقان گردنه تبوک ذکر کرده است، هرچند او کوشیده است تا این حدیث را تضعیف کند (ابن حزم، بی تا: ج ۱۱، ۲۲۴).

سیرت‌دین حدیث در منابع شیعه

حدیث مورد نظر در منابع شیعه امامیه به طور گسترده انعکاس یافته است. عالمان شیعه این حدیث را از طریق ۹ نفر از امامان اهل بیت علیهم السلام، و ۲۵ نفر از صحابه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند. برخی از آثار عالمان شیعه که این حدیث در آن ثبت شده عبارت است از:

۱. سلیم بن قیس (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۶۴۷، ۷۶۲، ۸۷۹)؛

۲. علی بن ابراهیم قمی (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۰۹)؛
۳. فرات کوفی (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۳۰۳، ۱۳۷، ۶۹، ۱۵۹)؛
۴. محمد بن مسعود عیاشی (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۳۳۲، ۲، ۱۲۷)؛
۵. کلینی (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۱۰۶-۱۰۷)؛
۶. صدوق (صدوق، ۱۳۶۱ش: ۷۴؛ صدوق، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۵۵۴)؛
۷. خزار قمی (خزار قمی، ۱۴۰۱ق: ۱۳۵)؛
۸. نعمان بن مغربی (مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۹۷، ۲، ۲۰۱، ۴۷۷؛ ج ۳، ۲۰۲)؛
۹. ثقفی (ثقفی، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۷۴۵)؛
۱۰. طوسی (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۶۱، ۵۵۵، ۷۷۶، ۳۴۲، ۵۶۶)؛
۱۱. ابن بطریق (ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۱۳۴، ۱۷۸، ۲۳۰، ۱۶۷)؛
۱۲. ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۲، ۱۸۶، ۱۹۴؛ ج ۳، ۶۶)؛
۱۳. طبرسی (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۵۰، ۱۱۶، ۱۱۱؛ ج ۲، ۳۳۰، ۴۵۱)؛
۱۴. مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۲۵، ۲۱، ۲۲۳؛ ج ۲، ۴۲، ۳۴).

سیرتدوین حدیث در منابع اهل سنت

دانشمندان اهل سنت نیز حدیث مورد نظر را به طور وسیع نقل کرده‌اند. شماری از آنان عبارتند از:

۱. ابی داود طیالسی (م ۲۰۴ق) (طیالسی، بی تا: ۲۸-۲۹). به نظر می‌رسد در میان آثار دانشمندان اهل سنت، مسند طیالسی قدیمی‌ترین اثری است که حدیث منزلت در آن ثبت شده است. وی حدیث را سه بار از طریق سعد بن ابی وقاص نقل کرده است.
۲. عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ق) (صنعانی، بی تا: ج ۵، ۴۰۵-۴۰۶).
۳. عبدالله بن زبیر حمیدی (م ۲۱۹ق) (حمیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۳۸).
۴. ابوجعفر اسکافی (م ۲۲۰ق) (اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۷۰، ۱۸۶، ۲۱۹، ۲۲۰). وی همانند عالمان شیعه برای اثبات خلافت علی علیه السلام به این حدیث استدلال کرده است.
۵. علی بن جعد جوهری بغدادی (م ۲۳۰ق) (ابن جعد جوهری، ۱۴۱۷ق: ۳۰۱).
۶. ابن ابی شیبه کوفی (م ۲۳۵ق) (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ۴۹۶؛ ج ۸، ۵۶۲).
۷. احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) وی در کتاب مسند از طریق پنج نفر از صحابه هیجده بار حدیث را نقل کرده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۶۰، ۳۹۲؛ ج ۵، ۱۸۰-۱۸۲؛ ج ۱۷، ۳۷۳؛ ج ۲۳، ۹؛ ج ۴۵، ۱۴، ۴۵۹).

احمد بن حنبل در کتاب فضائل الصحابه نیز از طریق چهار نفر از صحابه ۳۶ بار حدیث منزلت را نقل کرده است.

(ابن حنبل، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ۵۶۶-۵۶۹، ۵۹۲، ۵۹۸، ۶۱۰-۶۱۱، ۶۳۳، ۶۳۸، ۶۴۲-۶۴۳، ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۷۵، ۶۸۲؛ ج ۳، ۶۷، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۶۰، ۳۹۲).

۸. محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق) وی هم در کتاب صحیح خود حدیث را نقل کرده، و هم در اثر دیگرش التاریخ الکبیر (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ۲۰۸، ۵؛ ج ۵، ۱۲۹؛ بخاری، بی تا: ج ۱، ۱۱۶؛ ج ۷، ۳۰۱).

۹. مسلم نیشابوری (م ۲۶۱ق) (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۱۲۰).

۱۰. ابن ماجه قزوینی (م ۲۷۵ق) (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۱۳۱).

۱۱. ترمذی (م ۲۷۹ق) (ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ۴۵۵، ۴۵۸).

۱۲. ابن ابی عاصم (م ۲۸۷ق) (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق: ۵۵۱-۵۵۲، ۵۸۶-۵۸۹، ۵۹۵-۵۹۶).

به جز افراد یادشده، دیگر عالمان اهل سنت نیز حدیث منزلت را به طور گسترده در آثار خود ثبت کرده‌اند.

نقل حدیث توسط امامان اهل بیت علیهم السلام

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد تعداد نه نفر از امامان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیث مورد نظر را از جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند. اسامی آنان عبارت است از:

۱. علی علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۱، ۲۳۲ و ج ۲۸، ۲۲۱ و ج ۲۹، ۸۲، ۴۱۹، ۶۰۶؛ سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۵۶۹؛ ثقفی، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۷۴۵؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۶۹).

۲. حسن بن علی علیهما السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۴، ۲۲، ۶۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۶۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۸۹؛ سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۹۳۸).

۳. امام سجاد علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۱، ۲۳۷ و ج ۳۵، ۵۸ و ج ۳۷، ۲۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۶۶).

۴. امام باقر علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۱، ۱۴۲ و ج ۲۸، ۲۳۰ و ج ۳۲، ۴۸۵، ۶۱۵ و ج ۳۷، ۱۳۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۸، ۳۶۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۳۳۲؛ مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۲۰۲).

۵. امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۱۰۶ و ۱۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۵، ۲۹۹، و ج ۶۴، ۱۴۷؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۵۹).

۶. امام کاظم علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۲، ۴۷۶ و ج ۲۸، ۱۸۹).

۷. امام رضا علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۵، ۲۲۳، و ج ۳۹، ۲۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۴۲؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق: ۲۳۰).
۸. امام هادی علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۲۵، و ج ۵، ۲۰؛ طبری، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۵۱).
۹. امام حسن عسکری علیه السلام (طبری، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۵۰، و ج ۲، ۳۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۱، ۲۲۳ و ج ۳۵، ۱۸۴ و ج ۴۲، ۳۴).

صحابه راوی حدیث در منابع شیعه

- برخی از دانشمندان معاصر تعداد صحابه راوی این حدیث را ۲۳ نفر ذکر کرده‌اند (جعفر مرتضی، ۱۴۳۰ق: ج ۶، ۲۷۸-۲۷۹).
- اما بررسی آثار روایی فریقین نشان می‌دهد شمار صحابه‌ای که حدیث مورد نظر را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند بیش از آمار فوق است. بررسی‌ها نشان می‌دهد فقط عالمان شیعه امامیه حدیث یادشده را از طریق ۲۵ نفر از صحابه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند. اینان عبارتند از:
۱. علی علیه السلام (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۶۴۷؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۱۵، ۳۳۰ و ج ۳۶۶، ۳۶۲ و ج ۳۲۱، ۲۲۱؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۳۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۵۵).
 ۲. حذیفه بن یمان (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۵، ۲۳۴ و ج ۶۱، ۷۸؛ مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۵۴۴؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۱۷۸).
 ۳. ابوسعید خدری (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۱، ۲۳۲ و ج ۳۷، ۲۵۵، ۲۶۱؛ طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ۴۴۵-۴۴۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۶۱؛ ابن بطریق، ۱۴۱۷ق: ۱۳۴).
 ۴. ابوذر غفاری (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۲، ۳۱۰ و ج ۳۶، ۲۹۴).
 ۵. عبدالله بن عباس (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۵، ۶۱ و ج ۳۷، ۲۵۷، ۲۶۵، ۳۷۷ و ج ۳۸، ۱۳۰؛ مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۲۱۰، ۳۰۰).
 ۶. عباس بن عبدالمطلب (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۲۵۴).
 ۷. سلمان فارسی (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۶، ۲۹۴؛ طبری، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۱۱).
 ۸. جابر بن عبدالله انصاری (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۸۷۹؛ مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۳۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۷۲ و ج ۳۹، ۱۸ و ج ۴، ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۷۷۶؛ صدوق، ۱۳۶۱ش: ۷۴؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۶۲۱).
 ۹. سعد بن ابی وقاص (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۱، ۱۰، ۳۴۳ و ج ۳۳، ۲۱۷ و ج ۳۶، ۳۳۱؛ طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ۴۵۹؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۱۳۵).

۱۰. ابورافع (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۸، ۱۶۳، ۲۱۶ و ج ۲۵، ۲۳۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۳۰۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۱۲۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۲، ۱۹۴).
۱۱. مخدوج بن زید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۲، ۱۸۶؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۲۳۰).
۱۲. مقداد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۶، ۲۹۴ و ج ۳۸، ۳۱۴؛ سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۸۱۵).
۱۳. انس بن مالک (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۱۸۶، ۲۵۷ و ج ۳۸، ۱۳۴، ۳۴۳؛ مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۴۷۷؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۱۳۳).
۱۴. حُشی بن جناده (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۵۳).
۱۵. جابر بن سمره (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۲۵۵).
۱۶. اسماء بنت عمیس (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۲۶۳؛ مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۹۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۶۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۲۵).
۱۷. سعید بن زید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۳۶۳؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۱۲۹).
۱۸. قیس (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۲۶۶).
۱۹. عمر بن خطاب (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۲۶۷ و ج ۳۸، ۲۴۶ و ج ۴، ۷۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۱۶).
۲۰. زید بن ابی اوفی (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۸، ۳۳۶، ۳۴۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۳، ۶۶؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۱۶۷).
۲۱. ابوالطفیل، عامر بن واثله (صدوق، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۵۵۴؛ مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۸۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۳؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق: ۲۴۳).
۲۲. ام سلمه (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۰؛ مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۲۰۱).
۲۳. ابوبرزه (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۷).
۲۴. ابی لیلی (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۵۱).
۲۵. عبدالله بن مسعود (ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۱۳۷).

صحابه راوی حدیث در منابع اهل سنت

دانشمندان اهل سنت نیز حدیث مورد نظر را دستِ کم از طریق ۲۶ نفر از صحابه نقل کرده‌اند. اینان عبارتند از:

۱. علی رضی اللہ عنہ (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۲۹۶؛ ہیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۱۹۴).
۲. ابن عباس (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۲، ۱۰۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۷۴؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق: ۵۸۹).
۳. عمر بن خطاب (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۷۷).
۴. عبدالله بن جعفر (همان).
۵. معاویة (همان).
۶. جابر بن عبدالله (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق: ۵۹۵-۵۹۶؛ طبرانی، بی تا: ج ۲، ۲۴۷؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ۴۵۸؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۹، ۲۳).
۷. جابر بن سمره (هیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۷۷).
۸. ابوسعید خدری (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۱۷، ۳۷۳؛ مزی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۰، ۴۸۳؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق: ۵۹۵-۵۹۶).
۹. براء بن عازب (طبرانی، بی تا: ج ۵، ۲۰۳؛ ہیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱).
۱۰. زید بن ارقم (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ۴۹۶؛ طبرانی، بی تا: ج ۵، ۲۰۳؛ ہیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱).
۱۱. زید بن ابی اوفی (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق: ۵۹۵-۵۹۶؛ طبرانی، بی تا: ج ۵، ۲۲۱؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ۷۹۲، ۸۲۹).
- ۱۱/۱. سعد بن ابی وقاص (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۱۲۰؛ بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ۲۰۸؛ و ج ۵، ۱۲۹؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ۳۰۲-۳۰۴؛ عبدالرزاق صنعانی، بی تا: ج ۵، ۴۰۵-۴۰۶).
۱۲. نبیط بن شریط (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۷۷).
۱۳. حُشی بن جناده (طبرانی، بی تا: ج ۴، ۱۷؛ ہیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱).
۱۴. مالک بن حویرث (طبرانی، بی تا: ج ۱۹، ۲۹۱).
۱۵. انس بن مالک (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۷۷).
۱۶. ابوالفضل (همان).
۱۷. ام سلمة (طبرانی، بی تا: ج ۲۳، ۳۷۷؛ ہیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱).
۱۸. اسماء بنت عمیس (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ۴۹۶؛ طبرانی، بی تا: ج ۲۴، ۱۴۶؛ ہیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱؛ نسائی، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ۴۵؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰ق: ج ۱۳-۱۴).
۱۹. فاطمة بنت حمزة (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۷۷).

۲۰. بریده اسلمی (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق: ۵۹۵-۵۹۶).
۲۱. ابویوب انصاری (طبرانی، بی تا: ج ۴، ۱۸۴؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱).
۲۲. عبدالله بن عمر (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۱۲۶؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۱).
۲۳. یحیی بن سعید (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ۸۳).
۲۴. سعید بن زید (ابن حنبل، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ۸۳۴).
۲۵. مخدوج بن زید (همان: ج ۲، ۸۲۴).
- از افراد یادشده یازده نفر با فهرست عالمان شیعه مشترك‌اند، و مابقی جدید می‌باشند. با افزودن آنان به فهرست عالمان شیعه، شمار صحابه راوی حدیث مورد نظر به ۴۰ نفر می‌رسد و در میان صحابه، کسی که بیشتر از دیگران این حدیث را نقل کرده سعد بن ابی وقاص است.

نگاهی به سند حدیث

در مورد سند حدیث به نکاتی باید توجه نمود:

۱. ثبت حدیث در منابع معتبر

نفس این که محدثان برجسته‌ای مانند صاحبان صحاح و سنن شش‌گانه و دیگران، حدیث منزلت را در آثار خود به طور گسترده ثبت کرده‌اند به معنای تأیید صحت سند حدیث توسط آنان است، چون آنان توجه خاصی داشته‌اند که روایات ضعیف را در آثار خود ثبت نکنند.

۲. تصریح دانشمندان به صحت حدیث

شماری از محدثان بزرگ اهل سنت به صحت این حدیث تصریح کرده‌اند. ترمذی در ذیل حدیث نوشته است: «هذا حدیث حسن صحیح (ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ۴۵۵-۴۵۶). حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث نوشته است:

«هذا حدیث صحیح الاسناد (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۲، ۳۳۷).
و در جای دیگری آورده است:

«هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه (همان: ج ۳، ۱۰۹).
و در ذیل حدیث ده فضیلت ابن عباس برای علی علیه السلام نوشته است:

«هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه (همان: ج ۳، ۱۳۳-۱۳۴).
ابن کثیر در ذیل یکی از نقل‌های حدیث نوشته است:

«هذا اسناد صحیح (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۷۷).

ابوالحجاج مزی می نویسد:

و روی قوله عليه السلام: «أنت مَنِّي بمنزلة هارون من موسى» جماعة من الصحابة، وهو من أثبت الآثار وأصحها، رواه عن النبي ﷺ: سعد بن أبي وقاص، وابن عباس، وأبوسعيد الخدري، و... (مزی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۰، ۴۸۳).

محققان مسند احمد مکرر در ذیل حدیث نوشته اند:

اسناد صحیح، رجاله ثقات رجال الصحیح (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۴۵، ۱۴، ۴۵۹).

آقای بشار عواد معروف، محقق سنن ابن ماجه در ذیل حدیث نوشته است:

اسناد صحیح (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۱۳۱).

و در ذیل نقل دیگری از حدیث نوشته است:

اسناد صحیح، و رجاله ثقات (همان، ج ۱، ۱۳۷).

آقای عبدالغفار بنداری محقق سنن نسائی در ذیل حدیث نوشته است:

صحیح و رجاله ثقات (نسائی، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ۱۱۹-۱۲۰).

۳. تواتر حدیث

دانشمندان اهل سنت بالاترین معیاری که برای حدیث متواتر ذکر کرده اند آن است که آن را ده نفر از صحابه از رسول خدا ﷺ نقل کرده باشند (سیوطی، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ۱۷۶؛ زبیدی، ۱۴۰۵ق: ج ۲۳).

وگرنه برخی از دانشمندان، نقل حدیث توسط چهار نفر از صحابه را متواتر دانسته اند (جصاص، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۵۱؛ ابن حزم، بی تا: ج ۲، ۱۵۳).

و چنان که گذشت حدیث منزلت را نه نفر از امامان اهل بیت علیهم السلام و ۴۰ نفر از صحابه از رسول خدا ﷺ نقل کرده اند، و حدیث از نظر سند در درجات بالایی از تواتر قرار دارد.

مواضع بیان حدیث

هرچند برخی از دانشمندان صدور این حدیث را فقط يك بار آن هم در آغاز حرکت سپاه اسلام برای شرکت در غزوه تبوك دانسته اند (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۸۷۰ ذیل صفحه: ابن تیمیة، ۱۴۰۶ق: ج ۷، ۳۶۲)، اما حقیقت آن است که بیان این حدیث به مورد یادشده اختصاص نداشته، بلکه رسول خدا ﷺ این حدیث را در مواضع متعددی بیان داشته اند. برخی از دانشمندان معاصر مواضع بیان این حدیث توسط پیامبر ﷺ را ۲۱۱ مورد ذکر کرده اند (جعفر مرتضی عاملی، ۱۴۳۰ق: ج ۶، ۲۸۲-۲۸۷).

اما بررسی‌ها نشان می‌دهد مواضع بیان حدیث از آمار فوق بیشتر بوده و به حدود ۳۰ مورد می‌رسد.

به جز غزوه تبوک، واقعه دیگری که رسول خدا ﷺ حدیث منزلت را بیان کرده‌اند هنگام برقرار نمودن عقد اخوت بین اصحاب است.

در این جا نیز رسول خدا ﷺ علی را به عنوان برادر خود برگزیده و حدیث منزلت را درباره ایشان بیان فرمود (طبرانی، بی تا: ج ۱۱، ۶۳؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق: ج ۱، ۱۴۲).

مورد دیگر واقعه سد ابواب و بستن در خانه‌های صحابه که به درون مسجد پیامبر باز می‌شد، و مانع شدن از عبور و مرور آنان از داخل مسجد بود. در این واقعه پیامبر خدا در خانه علی را باز گذاشت و به آن حضرت فرمود:

يا علي إنَّه يحل لك في المسجد ما يحل لي، يا علي ألا ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا النبوّة... (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۲، ۱۳۹).

به جز موارد فوق، شمار دیگری از مواضع بیان حدیث عبارت است از:

۱. در روز نام‌گذاری امام حسن و امام حسین (ص) (صدوق، بی تا: ج ۱، ۱۳۷-۱۳۸؛ جوینی، ۱۴۰۰ق: ج ۲، ۱۰۳-۱۰۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۶۷)

۲. در حجة الوداع (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۲۱؛ ابن خلکان، ۱۳۹۸ق: ج ۵، ۲۳۱)

۳. در منی (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۷، ۲۶۰)

۴. در روز غدیر (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۳۳۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۴۵)

۵. در روز مباهله (ابن شهر آشوب، مناقب، ۱۳۷۹ق: ج ۳، ۱۴۲؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ق: ۱۰۸)

۶. در بازگشت از خیبر (صدوق، ۱۴۱۷ق: ۸۵؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ق: ۷۶ و ۹۶)

۷. در یکی از روزها که علی و پیامبر ﷺ راه می‌رفتند (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۲)

۸. در هنگام بیان حدیث «لحمه لحمی» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۵۰؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۱۱)

۹. در روز بدر (خوارزمی، ۱۴۱۱ق: ۸۴)

۱۰. در روز حضور صحابه در مسجد (گنجی شافعی، ۱۳۹۰ق: ۲۸۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۲، ۱۳۹)

۱۱. در روز نزاع درباره دختر حمزه (خوارزمی، ۱۴۱۱ق: ۱۹؛ ابن صباغ، ۱۳۸۱ق: ۱۱۰)

۱۲. در یکی از روزها که ابوبکر و عمر و ابو عبید در حضور پیامبر بودند و رسول خدا ﷺ به علی تکیه داده بود (خوارزمی، ۱۴۱۱ق: ۱۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۵، ۱۰۹)

۱۳. در واقع بنی جذیمه (صدوق، ۱۴۱۷ق: ۲۳۷)

۱۴. در روز بیماری پیامبر (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۶۲-۲۶۴)
۱۵. در یوم الدار در سال سوم بعثت (کراچکی، ۱۳۶۹ش: ۲۸۰)
- و موارد دیگر.

نقل مشهور حدیث منزلت

در نقل مشهور حدیث منزلت که بیشتر صحابه آن را از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند آمده است که پیامبر ﷺ خطاب به علی علیه السلام فرمود: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي» (صدوق، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۵۷۲؛ مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ۴، ۱۸۷۰، ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ۴۵۵-۴۵۶؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۱۷، ۳۷۳) یا عباراتی مشابه عبارت فوق.

نقل ابن عباس از حدیث منزلت

عبدالله بن عباس که از برجسته‌ترین و هوشمندترین چهره‌های صحابه پیامبر ﷺ به شمار می‌آید، و از استعداد و حافظه فوق‌العاده‌ای نیز برخوردار بوده است، حدیث منزلت را کامل‌تر از دیگران نقل کرده است. گزارش ابن عباس از این حدیث را جمعی از حافظان بزرگ اهل سنت در آثار خود ثبت کرده‌اند. از جمله:

۱. احمد بن حنبل آورده است:

... عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: «... أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى، إلا أنك لست بنبي، إنه لا ينبغي أن أذهب إلا وأنت خليفة» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۳۳۱ و ج ۵، ۱۸۰؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ۸۵۱).

۲. نسائی آورده است:

... عن ابن عباس قال: ... وخرج بالناس في غزوة تبوك، فقال علي: أخرج معك؟ فقال: لا، فبكي فقال ﷺ: «أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى، إلا أنك لست بنبي؟» ثم قال: «أنت خليفة» يعني في كل مؤمن (من) بعدى (نسائی، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ۱۱۳).

۳. در نقل طبرانی و شمار دیگری از محدثان آمده است:

... عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ لعلي: «... أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنك لست بنبي إنه لا ينبغي أن أذهب إلا وأنت خليفة...» (طبرانی، بی تا: ج ۱۲، ۷۸؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۳، ۱۳۳-۱۳۴؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۲۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۷۴).

۴. در نقل ابن عساکر آمده است:

عن ابن عباس قال: قال النبي ﷺ لعلی: «أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنك لست بنبي، قال: نعم. قال: وأنت خليفتي في كل مؤمن» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۲، ۹۸).

در نقل دیگری از ابن عساکر آمده است:

... قال ﷺ: «أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنك لست بنبي إته لا ينبغى أن أذهب إلا وأنت خليفتي من بعدى» (همان: ج ۴۲، ۱۰۰).

منزلت‌های هارون نسبت به موسی

در حدیث منزلت جایگاه علی علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله به جایگاه هارون نسبت به موسی علیه السلام تشبیه شده، اما در خود حدیث، از آن منزلت‌ها سخنی به میان نیامده، و این منزلت‌ها در قرآن کریم بیان شده است.

۱. هارون برادر موسی بود «هازون أخی» (طه: ۳۰)، «وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا» (فرقان: ۳۵).

۲. خداوند هارون را وزیر موسی قرار داده بود «وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا» (فرقان: ۳۵).

۳. هارون از خانواده موسی بود «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي» (طه: ۲۹-۳۰).

۴. هارون تصدیق‌کننده موسی بود «فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي» (قصص: ۳۴).

۵. هارون در امر دین شریک موسی بود «وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي» (طه: ۳۲).

۶. هارون پشتوانه و موجب تقویت بازوی موسی بود «شُدُّ بِهِ أَرْزِي» (طه: ۳۱).

۷. هارون در غیاب موسی جانشین او بود «وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي» (اعراف: ۱۴۲).

۸. وظیفه هارون این بود که جامعه را اصلاح کند «وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۱۴۲).

موارد فوق منزلت‌هایی است که قرآن کریم برای هارون نسبت به موسی علیه السلام بیان فرموده است، و تشبیه علی علیه السلام به هارون در حدیث متواتر منزلت اقتضا دارد که همه منزلت‌های هارون نسبت به موسی علیه السلام، برای علی علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت باشد. این تیمیه می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوات خود غیر از علی علیه السلام کسان دیگری را نیز جانشین خود قرار داد، پس این قضیه اختصاص به علی علیه السلام ندارد تا برای ایشان فضیلتی محسوب شود (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۵، ۳۳-۳۴).

پاسخ: درست است که در غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله کسان دیگری نیز در مدینه به جای ایشان

باقی ماندند، اما منزلت‌هایی که قرآن برای هارون ذکر کرده و رسول خدا ﷺ در حدیث منزلت همه آن منزلت‌ها را برای علی علیه السلام نسبت به خود ثابت دانسته‌اند، برای هیچ يك از کسانی که در غزوات پیامبر در مدینه جانشین ایشان بوده‌اند، ثابت نشده است. رسول خدا ﷺ درباره هیچ يك از آنان نفرمود: «أنت متی بمنزلة هارون من موسى»، و درباره هیچ يك از آنان نفرمود: «أنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی» و درباره هیچ يك از آنان نفرمود: «... إله لا یدُّ أن تقیم أو أقیم» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۲، ۱۸۶)، که نشان می‌دهد شرایط مدینه و وضعیت مسلمانان در آن روز به گونه‌ای بوده که برای اداره آن لازم بوده یا پیامبر ﷺ در مدینه بماند و یا علی علیه السلام، و هیچ کس دیگر صلاحیت جانشینی پیامبر ﷺ در این غزوه را نداشته است. به همین دلیل هیچ يك از کسانی که در غزوات پیامبر ﷺ جانشین ایشان بوده‌اند را به هیچ روی نمی‌توان با جانشینی علی بن ابی طالب علیه السلام به جای پیامبر در غزوه تبوک مقایسه نمود.

نقل ابن ابی عاصم از حدیث ابن عباس

گویاترین تعبیر از حدیث ابن عباس را حافظ ثقه ابوبکر بن ابی عاصم (م ۲۸۷ق) نقل کرده است. وی می‌نویسد:

حدثنا محمد بن المثني، حدثنا يحيى بن حماد، حدثنا أبو عوانة، عن يحيى بن سليم أبي بلج، عن عمرو بن ميمون، عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ لعلي: «أنت متي بمنزلة هارون من موسى إلا أنك لست نبياً إله لا ينبغي أن أذهب إلا وأنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق: ۵۵۱).

ابن ابی عاصم يك بار دیگر حدیث فوق را با همین سند در ضمن حدیث ابن عباس که وی در طی آن ده فضیلت برای علی بن ابی طالب علیه السلام ذکر کرده نقل کرده است. در این نقل آمده است:

عن ابن عباس قال: ... وخرج الناس في غزوة تبوك فقال علي: أخرج معك؟ قال ﷺ: لا. قال: فبكي. قال ﷺ: «أفلا ترضى أن تكون متي بمنزلة هارون من موسى إلا أنك لست بنبي وأنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی...» (همان: ۵۸۹).

بررسی رجال سند حدیث ابن عباس

رجال سند حدیث همگی افرادی موثق و مورد اعتمادند، اینان عبارتند از:

۱. ابوبکر بن ابی عاصم

ذهبی می‌نویسد:

ابن ابى عاصم، حافظ كبير، امام بارع متبع للآثار، كثير التصانيف... قال أبو العباس النسوى: أبو بكر بن أبى عاصم كان ثقة نبيلاً معمرًا (ذهبي، ١٤١٣ق: ج ١٣، ٤٣٠).
ذهبي در جاي ديگري مى نويسد:

الإمام أبو بكر أحمد بن عمرو بن أبى عاصم - الشيباني - كان إماماً فقيهاً ظاهرياً صالحاً ورعاً كبيراً القدر صاحب مناقب (ذهبي، ١٩٦١م: ج ٢، ٨٥).
ابن ابى حاتم مى نويسد:

أحمد بن عمرو بن أبى عاصم كان صدوق (ابن ابى حاتم، ١٣٧١ق: ج ٢، ٦٧: صفدى، ١٤٢٠ق: ج ٧، ١٧٦).
ابى الشيخ اصفهاني درباره وى مى نويسد:

وكان من الصيانة والعفة بمحل عجيب (ابى الشيخ اصفهاني، ١٤١٢ق: ج ٣، ٣٨٠).
صفدى مى نويسد:

أحمد بن عمرو بن أبى عاصم كان فقيهاً إماماً يفتى بظواهر الأثر وله قدم فى الورع والعبادة (صفدى، ١٤٢٠ق: ج ٧، ١٧٦).

٢. محمد بن المثنى

ابو الحجاج مزى مى نويسد:

وقال أبو حاتم: صالح الحديث، صدوق. وقال أبو عمرو الحارثي: ما رأيت بالبصرة أثبت من محمد بن المثنى.
وقال يوسف بن خراش:

حدّثنا محمد بن المثنى، وكان من الأثبات.

وذكره ابن حبان فى كتاب الثقات. وقال أبو بكر الخطيب:

كان صدوقاً، ورعاً، فاضلاً، عاقلاً. وقال فى موضع آخر: كان ثقة ثبتاً (مزى، ١٤١٣ق: ج ٢٦، ٣٦٣-٣٦٤).

ابن حجر مى نويسد:

محمد بن المثنى ثقة ثبت (ابن حجر، ١٤١٥ق: ج ٢، ١٢٩).

ابن حجر در جاي ديگري مى نويسد:

قال عبدالله بن أحمد عن ابن معين: ثقة، وقال أبو سعد الهروي: سألت الذهلي عنه فقال: حجة. وقال صالح بن محمد: صدوق، وقال أبو حاتم: صالح الحديث صدوق، وقال

أبوعروبة: ما رأيت بالبصرة أثبت منه، وقال ابن خراش: محمد بن المثني كان من الأثبات. وذكره ابن حبان في الثقات. وقال الخطيب: كان ثقة ثبتاً. وقال الدارقطني: كان أحد الثقات. وقال مسلمة: ثقة مشهور (ابن حجر، ١٤٠٤ق: ج ٩، ٣٧٨).

٣. يحيى بن حماد

ابن حجر مى نويسد:

يحيى بن حماد ثقة عابد (ابن حجر، ١٤١٥ق: ج ٢، ٣٠٠).

ابوالحجاج مزى مى نويسد:

قال محمد بن سعد: كان ثقة، كثير الحديث.

وقال أبو حاتم:

ثقة. وذكره ابن حبان في كتاب «الثقات».

وقال محمد بن نعمان بن عبد السلام:

لم أر أعبد من يحيى بن حماد (مزى، ١٤١٣ق: ج ٣١، ٢٧٨).

ابن حبان نام وی را در کتاب ثقات ذکر نموده که بیانگر ثقه بودن او است (ابن حبان،

١٣٩٣ق: ج ٩، ٢٥٧).

عجلى مى نويسد:

يحيى بن حماد ثقة (عجلى، ١٤٠٥ق: ج ٢، ٣٥١).

ذهبي مى نويسد:

وثقة أبو حاتم وجماعة. وقال ابن سعد: كان ثقة كثير الحديث. وقال محمد بن النعمان بن

عبد السلام: لم أر أعبد من يحيى بن حماد (ذهبي، ١٤١٣ق: ج ١٠، ١٤٠).

٤. وضاح يشكري، معروف به ابوعوانه

ابن حجر مى نويسد:

ابوعوانه ثقة ثبت (ابن حجر، ١٤١٥ق: ج ٢، ٢٨٣).

ذهبي مى نويسد:

وضاح بن عبدالله، ابوعوانة الواسطي مجمع على ثقته (ذهبي، ١٣٨٢ق: ج ٤، ٣٣٤).

ابوالحجاج مزى مى نويسد:

قال أبو طالب: سئل أحمد بن حنبل: أبوعوانة أثبت أو شريك؟ قال: إذا حدث أبوعوانة من

كتابه فهو أثبت.

و قال أبوزرعة:

ثقة إذا حدث من كتابه. وقال أبو حاتم: هو صدوق، ثقة. وقال أحمد ويحيى: كان ثقة (مزي، ١٤١٣ق: ج ٣٠، ٤٤٧-٤٤٨).

ابن حجر مزي نويسد:

قال أحمد ويحيى: كان أميناً ثقة، وقال ابن سعد: كان ثقة صدوقاً، وقال العجلي: أبو عوانة بصرى ثقة، وقال يعقوب بن شيبه: ثبت صالح الحفظ صحيح الكتاب، وقال ابن خراش: صدوق في الحديث، وقال ابن عبد البر: أجمعوا على أنه ثقة ثبت حجة (ابن حجر، ١٤٠٤ق: ج ١١، ١٠٤-١٠٦).

٥. يحيى بن سليم (أبولج)

هيشمى مزي نويسد:

أبي بلج الفزاري وهو ثقة (هيشمى، ١٤٠٨ق: ج ٩، ١٠٩ و ١٢٠).

ابن حجر مزي نويسد:

يحيى بن سليم صدوق (ابن حجر، ١٤١٥ق: ج ٢، ٣٧٠).

ذهبي مزي نويسد:

يحيى بن سليم... وثقه ابن معين وغيره، ومحمد بن سعد، والنسائي، والدارقطني. وقال أبو حاتم: صالح الحديث، لا بأس به (ذهبي، ١٣٨٢ق: ج ٤، ٣٨٤).

أبولحجاج مزي مزي نويسد:

قال إسحاق بن منصور، عن يحيى بن معين: ثقة. وكذلك قال محمد بن سعد، والنسائي، والدارقطني.

وقال أبو حاتم صالح الحديث، لا بأس به (مزي، ١٤١٣ق: ج ٣٣، ١٦٢).

ابن حبان نام وي را در كتاب الثقات ذكر نموده كه بيانگر وثاقت او است (ابن حبان، ١٣٩٣ق: ج ٧، ٦١٥).

عجلي مزي نويسد:

يحيى بن سليم ثقة (عجلي، ١٤٠٥ق: ج ٢، ٣٥٣).

ابن شاهين مزي نويسد:

يحيى بن سليم ثقة (ابن شاهين، ١٤٠٤ق: ٢٦٠).

ابن سعد مزي نويسد:

ابوبلج واسمه يحيى بن الفزاري وكان ثقة (ابن سعد، بی تا: ج ۷، ۳۱۱).

۶. عمرو بن میمون

ابوالحجاج مزى می نویسد:

قال إسحاق بن منصور، عن يحيى بن معين: ثقة. وقال النسائي: ثقة. وقال العجلي: كوفي، تابعي، ثقة. (مزی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۲، ۲۶۳).

عجلی می نویسد:

عمرو بن میمون کوفی تابعی ثقة (عجلی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۱۸۶).

ذهبی می نویسد:

وثقه يحيى بن معين (ذهبی، بی تا: ج ۱، ۶۵).

و در جای دیگری می نویسد:

عمرو بن میمون، الإمام الحجّة... وثقه يحيى بن معين وأحمد العجلي (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۱۵۸، ۱۶۰).

ابن حجر می نویسد:

قال ابن معين والنسائي: مشهور ثقة عابد (ابن حجر، ۱۴۰۴ق: ج ۸، ۹۶؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۷۴۷).

ابن حبان نام وی را در کتاب الثقات آورده که بیانگر ثقه بودن او است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق: ج ۵، ۱۶۶).

۷. عبدالله بن عباس

وی از بزرگان صحابه و بی نیاز از توثیق است.

چنان که ملاحظه می کنید رجال سند حدیث همگی موثق و سند حدیث صحیح است.

دلالت حدیث بر خلافت بلا فصل علی عليه السلام

سخن پیامبر صلى الله عليه وآله درباره امیرالمؤمنین عليه السلام که فرمود:

... أنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق: ۵۵۱ و ۵۸۹).

در دلالت بر خلافت و جانشینی بلا فصل علی عليه السلام به جای پیامبر صلى الله عليه وآله پس از آن حضرت، آن

هم نسبت به همه کسانی که به ائین پیامبر صلى الله عليه وآله ایمان آورده اند، از صراحت کافی برخوردار

است و هیچ ابهامی در آن وجود ندارد.

مطلب فوق حقیقتی است که جابر بن عبدالله انصاری نیز آن را به صراحت بیان داشته است. مرحوم صدوق از ابوهارون عبدی نقل کرده که گفته است:

سألت جابر بن عبدالله الأنصاری عن معنا قول النبي ﷺ لعلي عليه السلام: «أنت متى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لاني بعدى» قال: استخلفه بذلك والله على أمته في حياته وبعد وفاته، وفرض عليهم طاعته، فن لم يشهد له بعد هذا القول بالخلافة فهو من الظالمين (صدوق، ۱۳۶۱ش: ۷۴)؛

از جابر بن عبدالله انصاری درباره معنای سخن پیامبر ﷺ به علی علیه السلام «تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی، جز آن که پس از من پیامبری وجود ندارد» سؤال کردم، جابر پاسخ داد: به خدا سوگند رسول خدا با این سخن خود علی علیه السلام را جانشین خود قرار داد بر امتش در زمان حیاتش و بعد از وفاتش، و پیروی از علی علیه السلام را بر همه امتش واجب نمود، و پس از این سخن پیامبر ﷺ درباره علی علیه السلام، هر کس او را جانشین پیامبر ﷺ نداند از ستمکاران خواهد بود.

سخن پیامبر ﷺ در این حدیث که خطاب به علی علیه السلام فرمود: «... أنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی» جایی باقی نمی‌گذارد تا یحیی بن شرف نووی، و احمد شاکر محقق سنن ترمذی و محمد فؤاد عبدالباقی محقق صحیح مسلم در ذیل حدیث بنویسند:

... قال القاضي: هذا الحديث مما تعلق به الروافض والإمامية وسائر فرق الشيعة، في أنّ الخلافة كانت حقاً لعلي. وأتته وصى له بها... وهذا الحديث لاحتجة فيه لأحد منهم، بل فيه اثبات فضيلة لعلي، ولا تعرض فيه لكونه أفضل من غيره أو مثله. وليس فيه دلالة لإستخلافه بعده. لأن النبي ﷺ إنما قال هذا لعلي، حينما استخلفه في المدينة في غزوة تبوك. ويؤيد هذا أن هارون، المشبه به، لم يكن خليفة بعد موسى، بل توفي في حيات موسى... وإنما استخلفه حين ذهب لميقات ربه للمناجات (نووی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۵، ۱۷۴؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ۴۵۶ ذیل صفحه؛ مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۸۷۰ ذیل صفحه).

قاضی گفته است این حدیث از احادیثی است که شیعه امامیه و دیگر فرقه‌های شیعه آن را دلیل حقانیت علی علیه السلام در مسئله خلافت قرار داده‌اند و معتقدند رسول خدا ﷺ با این حدیث علی علیه السلام را وصی و جانشین خود قرار داده است.

در این حدیث دلیلی برای ادعای هیچ یک از فرق شیعه وجود ندارد، بلکه حدیث درصدد اثبات فضیلتی برای علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. هم‌چنین حدیث دلالتی بر برتری علی علیه السلام بر دیگران ندارد. و دلالتی بر جانشینی آن حضرت بعد از پیامبر ﷺ ندارد، زیرا پیامبر ﷺ زمانی

این سخن را به علی علیه السلام فرمود که در غزوه تبوك او را در مدینه جانشین خود قرار داده بود. و مؤید دیدگاه فوق آن است که هارون که علی علیه السلام به او تشبیه شده است، جانشین موسی نشد، بلکه در زمان حیات موسی فوت نمود، و فقط زمانی که موسی برای مناجات به میقات رفته بود جانشین او بود.

پاسخ: رسول خدا صلی الله علیه و آله در این حدیث از لفظ «خلیفه» استفاده کرده‌اند که صریح‌ترین لفظ در بیان معنای جانشینی است. حضرت به این مقدار هم بسنده نکرده بلکه کلمه خلیفه را با یاء نسبت به کار برده‌اند (= خلیفتی) که به صراحت نشان می‌دهد علی علیه السلام جانشین خود پیامبر صلی الله علیه و آله است.

پس از آن، جمله «فی کل مؤمن» را به کار برده‌اند تا نشان دهند که جانشینی علی علیه السلام به گروه خاصی اختصاص ندارد بلکه آن حضرت جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است برای همه کسانی که به آئین پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده‌اند. این جمله اجازه نمی‌دهد تا کسانی ادعا کنند که علی علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله بوده اما در میان اهل بیت علیهم السلام و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله (بلاذری، ۱۳۹۴ق: ج ۲، ۹۲؛ ابن حجر، بی تا: ج ۸، ۸۶). یا ادعا کنند که علی علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله بوده در شهر مدینه آن هم فقط در غزوه تبوك (نووی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۵، ۱۷۴) نه برای همه مؤمنان و پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله.

جمله «من بعدی» در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله به صراحت گویای آن است که جانشین علی علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله است، و اختصاص به زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و غزوه تبوك ندارد.

براساس این حدیث، علی علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است در غزوه تبوك و پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله برای همه کسانی که به آئین پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده‌اند، و سخن قاضی که گفته است این حدیث دلالتی بر مدعای شیعیان درباره خلافت علی علیه السلام ندارد سخن نادرستی است. اما این که می‌گوید: این حدیث در صدد اثبات فضیلتی برای علی علیه السلام است این حرف می‌تواند درست باشد و آن فضیلت همان خلافت بلافصل علی علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله و بر همه پیروان آن حضرت باشد.

اما این سخن قاضی که می‌گوید: این حدیث دلالتی بر برتری علی علیه السلام بر دیگران ندارد نیز نادرست است، چون وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به صراحت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود برای همه پیروان خود تعیین و معرفی می‌کند نشان می‌دهد که آن حضرت بر همه پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله برتری دارد و اگر فرض کنیم افرادی برتر از علی علیه السلام در میان یاران پیامبر صلی الله علیه و آله وجود

داشته باشند و با این وجود پیامبر ﷺ علی را به عنوان جانشین خود و پیشوای مسلمانان پس از خود تعیین نماید، این اقدام، مقدم داشتن مفضل بر فاضل است که از منظر عقل قبیح است.

به خصوص که رسول خدا ﷺ در این حدیث، علی را نسبت به خود، به هارون نسبت به موسی تشبیه کرده‌اند، و هارون در میان قوم موسی از نظر فضیلت برترین فرد آنان بوده است، پس باید علی را که در این حدیث به هارون تشبیه شده، برترین فرد امت پیامبر ﷺ باشد. در نتیجه به دلالت این حدیث، برتری علی بر دیگر اصحاب و پیروان پیامبر ﷺ امری قطعی و مسلم است.

نتیجه‌گیری

چنان‌که ملاحظه شد، حدیث منزلت را جمع کثیری از صحابه از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند، اما در نقل عبدالله بن عباس از این حدیث که آنان را جمعی از حافظان بزرگ تشیع و تسنن در آثار خود نقل کرده‌اند افزوده‌هایی وجود دارد که آن را از دیگر نقل‌های این حدیث متمایز ساخته است.

گویاترین تعبیر این نقل را حافظ ثقه اهل سنت ابن ابی عاصم با سند صحیح در کتاب خود ثبت کرده است.

این نقل به صراحت بر خلافت و جانشینی بلا فصل علی به جای پیامبر ﷺ دلالت دارد و همه ایرادهایی که برخی از عالمان اهل سنت بر دلالت دیگر نقل‌های حدیث منزلت بر خلافت علی به جای پیامبر ﷺ وارد کرده‌اند را پاسخ می‌دهد، و جلو هرگونه بهانه‌جویی را می‌گیرد.

منابع

١. ابن بطريق، يحيى بن حسن (١٤٠٧ق)، عمدة، قم، مؤسسة النشر الاسلامى .
٢. ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم (١٤٠٦ق)، منهاج السنة، بي جا، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلاميه .
٣. ابن جعد جوهرى، على (١٤١٧ق)، مسند، بيروت، دارالكتب العلمية .
٤. ابن حبان، محمد (١٣٩٣ق)، كتاب الثقات، حيدرآباد، مؤسسة الكتب الثقافية .
٥. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (١٤٠٤ق)، تهذيب التهذيب، بيروت، دارالفكر .
٦. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (١٤١٥ق)، تقريب التهذيب، بيروت، دارالكتب العلمية .
٧. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (بى تا)، فتح البارى، بيروت، دارالمعرفة .
٨. ابن حزم، ابومحمد على بن احمد بن سعيد (بى تا)، المحلى، تحقيق: احمد محمد شاكر، بي جا، دارالفكر .
٩. ابن حنبل، احمد (١٤١٦ق)، مسند، بيروت، مؤسسة الرسالة .
١٠. ابن حنبل، احمد (١٤٣٥ق)، فضائل الصحابة، عربستان سعودى، دار ابن الجوزى .
١١. ابن خلكان، احمد بن محمد (١٣٩٨ق)، وفيات الاعيان، بيروت، نشر صادر .
١٢. ابن سعد، محمد (بى تا)، طبقات الكبرى، بيروت، دارصادر .
١٣. ابن شاهين، عمر (١٤٠٤ق)، تاريخ اسماء الثقات، تونس، دارالسلفية .
١٤. ابن شهر آشوب، محمد بن على (١٣٧٩ق)، مناقب آل ابى طالب، قم، علامه .
١٥. ابن صباغ المالكى، على بن محمد (١٣٨١ق)، الفصول المهمه، نجف اشرف، المكتبة الحيدرية .
١٦. ابن ماجه، محمد بن يزيد (١٤١٨ق)، سنن، محقق: بشار عواد معروف، لبنان، دارالجيل .
١٧. ابن بابويه، محمد بن على (١٣٦١ش)، معانى الأخبار، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين .
١٨. ابن بابويه، محمد بن على (١٣٩٥ق)، كمال الدين وتمام النعمة، تهران، اسلاميه .
١٩. ابن بابويه، محمد بن على (١٤٠٤ق)، عيون اخبار الرضا عليه السلام، بيروت، اعلمى .
٢٠. ابن بابويه، محمد بن على (١٤١٦ق)، الخصال، قم، جامعه مدرسين .
٢١. ابن بابويه، محمد بن على (١٤١٧ق)، امالى، قم، مؤسسة البعثة .
٢٢. ابن بابويه، محمد بن على (بى تا)، علل الشرايع، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية .
٢٣. ابى الشيخ اصفهانى، عبدالله بن حبان (١٤١٢ق)، طبقات المحدثين باصبهان، بيروت،

مؤسسة الرسالة .

٢٤. اسكافي، ابو جعفر (١٤٠٢ق)، *المعيار والموازنة*، بيروت، بي نا.
٢٥. بخارى، محمد بن اسماعيل (١٤١٥ق)، *صحيح*، قاهره، وزارت اوقاف مصر.
٢٦. بخارى، محمد بن اسماعيل (بي تا)، *التاريخ الكبير*، ديار بكر، المكتبة الإسلامية.
٢٧. بلاذرى، احمد بن يحيى (١٣٩٤ق)، *أنساب الأشراف*، بيروت، مؤسسة الأعلمی.
٢٨. ترمذى، محمد بن عيسى (١٤١٩ق)، *سنن*، تحقيق: احمد محمد شاكر، قاهره، دار الحديث.
٢٩. تميمى حنظلى رازى (ابن ابى حاتم)، *عبدالرحمن بن محمد بن ادريس بن منذر (١٣٧١ق)*، *الجرح والتعديل*، بيروت، دار احياء التراث العربى .
٣٠. ثقفى، ابراهيم بن محمد (١٣٩٥ق)، *الغارات*، تهران، انجمن آثار ملی.
٣١. جصاص، ابوبكر (١٤٠٥ق)، *الفصول فى الأصول*، تحقيق: عجیل جاسم، بی جا، بی نا.
٣٢. جوينى حموينى، ابراهيم بن محمد (١٤٠٥ق)، *فراند السمطين*، بيروت، مؤسسة المحمودى.
٣٣. خُرّ عاملی، شيخ محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، *وسائل الشيعة*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٣٤. حسكاني، عبيدالله (١٤١١ق)، *شواهد التنزيل*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
٣٥. حلى عجلی، محمد بن منصور بن احمد بن ادريس (١٤٠٥ق)، *معرفة الثقات*، المدينة المنورة، مكتبة الدار.
٣٦. حميدى، عبدالله بن زبير (١٤٠٩ق)، *مسند*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٣٧. خزاز قمى، على بن محمد (١٤٠١ق)، *كفاية الأثر*، قم، انتشارات بيدار.
٣٨. الخوارزمى، موفق بن احمد (١٤١١ق)، *مناقب خوارزمى*، قم، مؤسسة النشر الاسلامى.
٣٩. دمشقى (ابن عساكر)، ابوالقاسم على بن حسن (١٤١٥ق)، *تاريخ مدينة دمشق*، بيروت، دارالفكر.
٤٠. ذهبى (بي تا)، *تذكرة الحفاظ*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٤١. ذهبى (١٣٨٢ق)، *ميزان الاعتدال*، بيروت، دارالمعرفة.
٤٢. ذهبى (١٩٦١م)، *العبر فى خبر من غير*، كويت، دارالكتب المصرية.
٤٣. ذهبى، محمد بن احمد بن عثمان (١٤١٣ق)، *سير اعلام النبلاء*، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٤٤. زييدى، محمد مرتضى (١٤٠٥ق)، *لقط اللآلى المتناثرة فى الأحاديث المتواترة*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٤٥. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر (١٤٢٤ق)، *تدريب الراوى*، رياض، دارالعاصمه.
٤٦. شرف النووى، أبو زكريا يحيى بن (١٤٠٧ق)، *شرح صحيح مسلم*، بيروت، دارالكتاب العربى.

۴۷. صفدی، صلاح‌الدین (۱۴۲۰ق)، *الوافی بالوفیات*، بیروت، دار احیاء التراث.
۴۸. صنعانی، عبدالرزاق (بی تا)، *المصنف*، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بی جا، بی نا.
۴۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق)، *معجم اوسط*، بی جا، دارالحرمین لطباعة و النشر.
۵۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، *المعجم الكبير*، بی جا، دار احیاء التراث العربی.
۵۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *امالی*، قم، دارالثقافة.
۵۳. طیب‌السی، سلیمان بن داود (بی تا)، *مسند*، بیروت، دارالمعرفة.
۵۴. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۳۰ق)، *الصحيح من سيرة الإمام علي عليه السلام*، بی جا، دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۵. عثمان عیسی کوفی (ابن ابی شیبیة)، ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن (۱۴۰۹ق)، *المصنف*، بیروت، دارالفکر.
۵۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر*، تهران، المكتبة العلمية.
۵۷. غالب طبری (طبری آملی)، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن (۱۳۸۳ق)، *بشارة المصطفى*، نجف، المكتبة الحيدرية.
۵۸. غالب طبری (طبری آملی)، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن (۱۴۱۵ق)، *المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب*، قم، بی نا.
۵۹. فیض کاشانی، محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۶ق)، *تفسیر صافی*، تهران، مكتبة الصدر.
۶۰. قرشی (ابن کثیر)، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر (۱۴۰۸ق)، *البدایة والنهاية*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۱. قشیری نیشابوری، مسلم (۱۴۱۲ق)، *صحیح*، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دارالحديث.
۶۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.
۶۳. قیس، سلیم بن (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم*، قم، الهادی.
۶۴. کراجکی، محمد بن علی (۱۳۶۹ش)، *کنز القوائد*، قم، دارالاضواء.
۶۵. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات کوفی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *کافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۶۷. الگنجی الشافعی، محمد بن یوسف (۱۳۹۰ق)، *کفاية الطالب*، النجف الاشرف، المكتبة

الحيدرية .

٦٨. متقى هندی، علی بن حسام (١٤٠٩ق)، *كنز العمال*، بیروت، مؤسسة الرسالة .
٦٩. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء .
٧٠. مزى، یوسف بن عبدالرحمن (١٤١٣ق)، *تهذيب الكمال*، بیروت، مؤسسة الرسالة .
٧١. مغربی، نعمان بن محمد (١٤٠٩ق)، *شرح الأخبار*، قم، جامعه مدرسين .
٧٢. النجود كوفی (ابن ابی عاصم)، عاصم بن ابی (١٤١٣ق)، *كتاب السنة*، تحقیق: ناصرالدين البانی، بیروت، المكتب الاسلامی .
٧٣. نسائی، احمد بن علی (١٤١١ق)، *سنن*، بیروت، دارالکتب العلمیة .
٧٤. نوری، میرزا حسین (١٤٠٨ق)، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام .
٧٥. نیشابوری (حاکم نیشابوری)، محمد بن عبدالله (بی تا)، *مستدرک*، تحقیق: عبدالرحمن مرعشلی، بی جا، بی نا .
٧٦. هیثمی، نورالدين علی بن ابی بکر (١٤٠٨ق)، *مجمع الزوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیة .

